



## اصل اقتضاء تعقیب در قلمرو جرائم اطفال و نوجوانان در حقوق ایران و انگلستان

بهر روز نوروزی<sup>۱</sup>

نسرین مهرا<sup>۲</sup>

علی صفاری<sup>۳</sup>

محمدعلی مهدوی ثابت<sup>۴</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۹۶/۰۹/۱۸ تاریخ پذیرش نهایی: ۹۶/۰۲/۱۴

### چکیده

تعقیب جرائم مهم ترین وظیفه نهاد دادرسی است تا پس از تشکیل و تکمیل پرونده تحقیقات مقدماتی، زمینه محاکمه و صدور حکم توسط دادگاه فراهم گردد. از این تکلیف به عنوان اصل قانونی بودن تعقیب یاد می‌شود. در کنار این اصل، ملاحظات دیگری ممکن است دادرسی را به این نتیجه برساند که خودداری از ادامه تعقیب به صلاح است و تعقیب کیفری متهم باید مفید باشد. از این رو، اصل دیگری به نام اصل مقتضی بودن (مناسب بودن) تعقیب شکل گرفته که مکمل اصل نخست می‌باشد. این اصل به این معناست که دادستان می‌تواند تعقیب دعوی کیفری را متوقف سازد. به بیان دیگر چنانچه دادستان معتقد باشد که تعقیب به نفع عدالت نیست، از تعقیب خودداری ورزد. از این اصل به قضازدایی نیز یاد می‌شود. اصل مقتضی بودن تعقیب با مفهوم قضازدایی یکی از اصول پذیرفته شده در حقوق ایران و انگلستان بوده و از آنجائی که سیستم عدالت کیفری با ظرافت و حساسیت خاصی به جرائم اطفال و نوجوانان رسیدگی می‌کند و هدف عمده در مورد کودکان معارض قانون، اجتناب از ورود آنها به چرخه عدالت کیفری است، لذا قضازدایی در این مورد بیشتر نمایان می‌شود. نوشتار حاضر به دنبال پاسخ به دو سؤال است: ۱- نموده‌های قاعده اقتضاء تعقیب در جرایم کودکان معارض قانون در حقوق ایران و انگلیس کدامند؟ ۲- وجوه افتراق و اشتراک دو نظام حقوقی ایران و انگلستان در

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی، گروه حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. beh.norouzi@yahoo.com

<sup>۲</sup> دانشیار، گروه حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی تهران، ایران (نویسنده مسئول)

<sup>۳</sup> دانشیار، گروه حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی تهران، ایران

<sup>۴</sup> استادیار، گروه حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

خصوص قاعده اقتضاء تعقیب در جرائم اطفال و نوجوان کدامند؟ در تحقیق حاضر نمودهای قضازدایی در دو نظام حقوقی مذکور، بحث شده شده‌اند.

## کلید واژه‌ها

قضازدایی، اطفال و نوجوانان، مقتضی بودن تعقیب، حقوق ایران، حقوق انگلستان

### ۱- مقدمه

قاعده متناسب بودن تعقیب که به اصل "مقتضی بودن تعقیب" شهرت دارد، یکی از ابزارهای سیاست کیفری اجرایی و قضازدایی است که در شروع رسیدگی به دعوای کیفری برای مقام تعقیب، اختیار و آزادی در تعقیب یا عدم تعقیب متهم به ارتکاب جرم را فراهم می‌آورد. نماینده جامعه در واقع مقام تعقیب جرایم بوده که بنام جامعه متهم را تحت پیگرد قانونی قرار می‌دهد، لذا این جامعه است که مالک حق و اختیار تعقیب متهم بوده و می‌تواند مجرم را تعقیب کند و به سزای عمل خود برساند (آخوندی، ۱۳۸۶: ۱۴).

به منظور بهبود کارایی تعقیب کیفری، به خصوص در راستای تحقق دادرسی عادلانه و منصفانه، اصول متعددی از جمله اصل برائت، اصل استقلال، اصل احترام به کرامت انسانی، اصل حمایت از بزه دیده و اصل قانونی بودن و مقتضی بودن بودن تعقیب در حقوق جزای بسیاری از کشورها رونق گرفته است (Vogel & Huber, 2010: 185). اصول مذکور بویژه دو اصل اخیر (اصل قانونی بودن و اصل مقتضی بودن تعقیب) در حقوق ایران و انگلستان به عنوان یکی از ابزارهای مهم سیاست جنایی در نظر گرفته شده است. به طوریکه در حقوق انگلستان برای اینکه دادستان بتواند تعقیب قانونی را شروع کند به دنبال احراز دو نکته است ۱- آیا شواهد و مدارک کافی<sup>۱</sup>، بر اثبات جرم وجود دارد و به طور واقع بینانه می‌توان محکومیت متهم را پیش بینی کرد یا نه؟ ۲- آیا تعقیب قانونی متهم برای منافع عمومی<sup>۲</sup> لازم است یا خیر؟

در حقوق ایران اصل مقتضی بودن تعقیب بعد از ورود پرونده به چرخه عدالت کیفری (دادسرا و دادگاه) بررسی و نهایتاً اعمال می‌شود، اما در حقوق انگلستان مواردی وجود دارد که اصل مقتضی بودن ناظر به مرحله پلیسی می‌باشد از جمله اینکه قانون کودکان و افراد جوان مصوب ۱۹۶۹، اولین بار به اخطار پلیس در مورد جوانان وجهه قانونی داد، بخش (۲) ۵ از

<sup>1</sup> The Evidential stage.

<sup>2</sup> The Public stage.

همین قانون می‌گوید: «اخطار از طرف پلیس» می‌تواند شیوه مناسبی برای رسیدگی به برخی جرایم مربوط به افراد جوان باشد. (Lourin Kaal, 2008: 18). به طوریکه در برخی موارد بر فرض تحقق شرایط آن، مانع از ورود پرونده به دادسرا می‌شود که اخطار ساده گفته می‌شود و در مواردی با ورود پرونده به دادسرا اخطاری متناسب با جرم توسط دادستان داده می‌شود که اخطار مشروط جوانان گفته می‌شود و تصمیم برای اعمال اخطار مشروط باعث تعلیق هرگونه رسیدگی کیفری می‌شود، البته با تصویب قانون جرم و بی‌نظمی در سال ۱۹۹۸ " هشدار نهایی" <sup>۱</sup> و "توبیخ" <sup>۲</sup>، در مورد کودکان معارض قانون، جایگزین "اخطار ساده" شد و بعد از این قانون اخطار ساده فقط در مورد مرتکبین بزرگسال اعمال می‌شود. در حقوق ایران، اخطار به عنوان یکی از اقسام تدابیر تامینی و تربیتی در بند "ت" ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی در پایان فرایند دادرسی در نظر گرفته شده است (شکرچی زاده، ۱۳۹۴: ۲۲).

اخطار مشروط جوانان در حقوق انگلستان که بعد از ورود پرونده به نهاد دادسرا ضمن شرایطی اعمال می‌شود با نهاد تعلیق تعقیب و قرار بایگانی پرونده در حقوق ایران شباهت دارد، چرا که تصمیم برای تعلیق تعقیب و بایگانی نمودن پرونده، مانع از ورود شخص به محاکم جزائی می‌شود.

بنابراین بررسی اصل مقتضی بودن تعقیب و استخراج شباهت‌ها و تفاوت‌ها اصل مورد اشاره در این دو نظام حقوقی، از اهمیت زیادی برخوردار می‌باشد، آنچه که در این نوشتار مد نظر بوده، قضا دایی در مرحله پلیسی و تعقیب زدایی از جانب نهاد تعقیب (دادسرا) در حیطه جرائم کودکان معارض با قانون است. در این مقاله که به روش تحلیلی - توصیفی نوشته شده، ابتدا مزایا و معایب قاعده مذکور و سپس نمودهای آن در دو نظام حقوقی ایران و انگلستان مورد بررسی قرار می‌گیرند.

## ۲- مزایای قاعده اقتضاء تعقیب در جرائم اطفال و نوجوانان

مزایای قاعده اقتضاء تعقیب از جرائم اطفال و نوجوانان بزهکار عبارتند از:

### ۲-۱- حذف هزینه‌های زاید

اتخاذ تصمیماتی مبنی بر اخطار ساده و اخطار مشروط جوانان و مد نظر قرار دادن نهادهایی چون تعلیق تعقیب و قرار بایگانی کردن پرونده، رسیدگی سریع و آسان به جرایم

<sup>1</sup> Final warning.

<sup>2</sup> Reprimand.

سبک تر امکان پذیر خواهد شد و این امر به صرفه جویی از طریق لغو دادرسی پرهزینه منجر خواهد شد و نیازی به برگزاری کامل فرایند دادرسی نیست.

## ۲-۲- اجتناب از ورود پرونده به دادگاه

ورود افراد به دادگاه کیفری به نتیجه دریافت برچسب مجرمانه خواهد انجامید (شکرچی، همان: ۳۱). یکی از اهداف عمده قضاودایی و اصل اقتضاء تعقیب، پیشگیری از حضور مرتکبین در محاکم جزائی خواهد بود. این امر به حفظ کرامت شهروندان کمک شایانی خواهد کرد. اثر عملی اصل اقتضاء تعقیب و قضاودایی، خارج کردن فرد مظنون از فرایند رسیدگی قضایی است. توسل به این روش به صورت غیر رسمی و از راه اعمال اختیارات اداری در جریان رسیدگی به یک پرونده و نیز پیاده کردن طرح های غیر رسمی صورت می گیرد (نجفی ابرنابادی، ۱۳۷۷: ۱۴۱-۱۴۲). در قوانین اکثر کشورها و نیز توصیه های بین المللی دولت ها به دنبال این هستند که تا حتی الامکان از ورود کودکان و نوجوان به سیستم قضایی و زندانی شدن جلوگیری نمایند، بنابراین از روش های جایگزین استفاده می کنند، از جمله مصالحه خارج از دادگاه، جبران خسارت<sup>۱</sup> و... بعلاوه قاضی مکلف است امکان تعلیق مجازات را بررسی نماید (داور، ۱۳۷۸: ۷۵). تلاش در این زمینه در سطح بین المللی بویژه در مورد مجرمین بی سابقه پیش از پیش احساس می شود (خدابنده لو خان کندی، ۱۳۸۲: ۹۲).

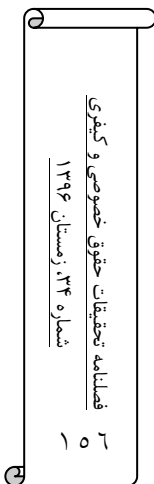
## ۲-۳- ثبت رفتار مجرمانه در سابقه

در نتیجه اعمال قاعده مقتضی بودن تعقیب، تصمیم بر عدم تعقیب و عدم ورود پرونده به دادگاه در سابقه فرد منعکس خواهد شد. این سابقه در رسیدگی های کیفری بعدی یا بررسی های قانونی مرتبط موثر خواهد بود.

## ۲-۴- کاهش تورم پرونده های کیفری

امتیاز دیگر قاعده اقتضای تعقیب، علاوه بر موارد فوق کارآمدی سیستم عدالت کیفری، کاهش تورم پرونده های کیفری در دادگاه، تضمین مصلحت قربانی جرم و فردی شدن حقوق کیفری و ثبات و دوام حاکمیت نیز در زمره اهداف قاعده اقتضاء تعقیب از جرائم اطفال و نوجوانان بزهکار می باشد.

<sup>1</sup> Reparation.



### ۳- معایب قاعده اقتضاء تعقیب در جرائم اطفال و نوجوانان بزهکار

معایب قاعده اقتضاء تعقیب در قلمرو جرائم اطفال و نوجوانان بزهکار عبارتند از:

۳-۱- درست است که اگر فرد وارد چرخه عدالت کیفری شود برچسب مجرمانه می‌خورد، اما تصمیمات مبتنی بر قضا‌دایی برچسب جدیدی بر فرد وارد می‌کنند مثل: «فردی که در خطر ارتکاب جرم است» یا «فردی که در مرحله قبل از جرم است»، یا «فردی که نیازمند نظارت است» که این موارد نیز مهم و قابل توجه هستند. (شکرچی، همان: ۳۲)

۳-۲- در برخی از نهادهای مبتنی بر قضا‌دایی اقرار مرتکب شرط می‌باشد، لذا افراد ممکن است بدون اینکه در واقع امر مرتکب جرم شده باشند و یا قبل از اثبات جرم برای فرار از مهلکه قبول مجرمیت کرده و اقرار نمایند حال آنکه در صورت عدم اقرار، رسیدگی منجر به برائت فرد می‌شد بنابراین برای فرار از موضوع و ترک سریع‌تر اداره پلیس و دادسرا اقرار به جرم نمایند. (وطن خواه، ۱۳۸۵: ۵۲).

### ۴- نمودهای قاعده اقتضاء تعقیب در قلمرو جرائم اطفال و نوجوانان در حقوق ایران و انگلیس

اخطار ساده، توبیخ و هشدار نهایی، اخطار مشروط جوانان، تعلیق تعقیب، بایگانی پرونده، پذیرش بزهکاری و معامله اتهامی به عنوان جلوه‌های قاعده اقتضاء تعقیب در قلمرو جرائم اطفال و نوجوانان، در دو نظام حقوقی ایران و انگلیس می‌باشند که هر کدام به تفکیک مورد بررسی و ارزیابی و تطبیق قرار می‌گیرند.

#### ۴-۱- اخطار<sup>۱</sup> در حقوق ایران و انگلیس

اخطار در معنای لغوی به معنای آگاه کردن، نصیحت کردن و ترغیب کردن می‌باشد (Campbell Black, 1990: 223). در تعریف اخطار ساده می‌توان گفت که در نتیجه اعمال آن، تعقیب کیفری در مرحله مقدماتی توسط پلیس متوقف می‌شود و از ورود متهمین جوان به دادسرا و دادگاه کیفری اجتناب می‌شود. سیستم اخطار ساده توسط پلیس از انگلستان به سایر کشورها نیز توسعه یافته است (Michael Jasch, 2010: 208). اخطار ساده از نظر ماهیت ذاتی

<sup>۱</sup> Cauton.

واجد دو خصوصیت است: اول اینکه حکم نیست، بدین معنی که از آنجایی که پلیس اخطار ساده را صادر می نماید لذا این مورد، شکلی از صدور یک حکم نیست. (Stoate, No. 1, Note). دوم اینکه مطلق است، یعنی پلیس نمی تواند شرطی در خصوص انجام وظیفه ای مشخص، مثل جبران خسارت کردن<sup>۱</sup> یا پرداخت غرامت<sup>۲</sup> به قربانی را قرار دهد. اخطار ساده یا به صورت هشدار شفاهی<sup>۳</sup> است که نباید به عنوان یک اخطار در سابقه کیفری فرد مرتکب ثبت شود و همچنین نباید (برخلاف اخطار) در مراحل رسیدگی بعدی در دادگاه ذکر شود. (Sprack, 2014: 79). یا به صورت اخطار غیررسمی<sup>۴</sup> است که به گونه ای مبهم بود و استفاده از آن توصیه نگردید (Home Office, 1994: 15)، کمیسیون ممیزی میزان افرادی که توسط پلیس از این اخطار برخوردار شده اند را از میانه دهه ۸۰ به بعد ف ده در صد اعلام می کند (Audit Commission, 1997: 2)، یا به صورت اخطار حمایتی است که این اخطار نیز تعریف نشده است و یا به صورت اخطار افزایشی (یا اضافی)<sup>۵</sup> و یا به صورت اخطار به جوانان است که در بخشنامه ۱۸/۱۹۹۴ امکان صدور اخطار جوانان، در خصوص پرونده های مرتکبین زیر ۱۸ سال، برای نیروهای پلیس مطلوب و مناسب ارزیابی گردید که در این موارد پلیس می توانست با آژانس های محلی دولتی یا خصوصی در مورد راه های پیشگیری از ارتکاب مجدد جرم، ارتباط برقرار نماید. چنین حمایتی مخصوصاً هنگامی که فرد جوان (مرتکب زیر ۱۸ سال) برای ارتکاب جرم جنسی مورد اخطار واقع می گردید می توانست ارزشمند قلمداد شود. (شکرچی، ۱۳۹۴: ۲۷).

در حقوق انگلستان در مراحل ابتدایی قبول اخطار، محدودیتی برای صدور اخطار از نظر نوع جرم وجود نداشته است، اما کم کم ایرادات ناشی از این روش وزارت کشور را بر آن داشت، که در آخرین بخشنامه ها حتی صدور اخطار ساده برای جرایمی که فقط با صدور کیفر خواست قابل تعقیب هستند، ممنوع اعلام کند. دستورالعمل ۱۶/۲۰۰۸ اعلام می دارد: اخطار ساده بایستی در مورد جرایم کم اهمیت به کار رود.

از جمله شرایط صدور اخطار، وجود ادله مناسب در جهت اثبات جرم می باشد. در این خصوص آمده است: بایستی ادله مناسب مربوط به جرم یا تقصیر مرتکب برای ارائه یک محکومیت واقعی مورد نظر وجود داشته باشد. و هنگامی که ادله معیارهای لازم را نداشته

<sup>1</sup> Payment of Compenstion to the Victims.

<sup>2</sup> Payment of Compenstion to the Victims.

<sup>3</sup> Oral Warning.

<sup>4</sup> Informal Cautions.

<sup>5</sup> Caution Plus.

باشند، نمی توان اخطار صادر کرد. (Slapper & Kelly, 2009/2010: 485). بر اساس دستورالعمل ۱۶/۲۰۰۸ در صورتی که در پرونده ای چندین جرم وجود داشته باشند، تصمیم به صدور اخطار یا تعقیب، بایستی بر اساس سنگین ترین جرم ارتكابی اتخاذ شود.

تا زمان اجرای دستورالعمل ۱۸/۱۹۹۴ صدور اخطار رسمی برای مرتکبین زیر ۱۸ سال نیز امکان پذیر بود. استفاده از اخطار در پرونده های مرتکبین زیر ۱۸ سال، برای پلیس مطلوب و مناسب بود، ولی قانون «جرم و بی نظمی» در سال ۱۹۹۸ «هشدار نهایی» و «توبیخ» را در مورد کودکان معارض قانون جایگزین «اخطار» نمود. بنابراین امروزه اخطار تنها در مورد مجرمان بزرگسال مورد استفاده قرار می گیرد (T. molan, 2001: 10). بعلاوه دو عامل عمد در ارتكاب و وضع مجرم بعد از ارتكاب جرم شامل پشیمانی مرتکب مثل عذرخواهی از قربانی، امکان استفاده از اخطار را تقویت می نماید. بر اساس دستورالعمل ۱۶/۲۰۰۸ به هنگام بررسی این مورد که آیا اخطار ساده مناسب است یا خیر، به سابقه کیفری مجرم هم التفات می شود (Home Office, 9: 2008). دستورالعمل ۳۰/۲۰۰۵ نیز، پذیرش روشن و موثقی در باب جرم مرتکب شده (به طور شفاهی یا کتبی) را شرط صدور اخطار اعلام کرده و بر اساس دستورالعمل ۱۶/۲۰۰۸ قبل از درخواست پذیرش اخطار از متخلف، اعتراف به جرم مورد نیاز می باشد. پذیرش اخطار توسط متهم امری کاملاً اختیاری است و اعلام قبول مجرم شرط اساسی صدور اخطار است. یکی دیگر از شرایط اصلی صدور اخطار انگلیسی در نظر گرفتن اصول مربوط به نفع عمومی مندرج در قانون دادستان است. (Home Office, 1994: 18). در صدور اخطار ساده موافقت قربانی شرط صدور اخطار نیست، ولی دیدگاه قربانی می تواند بر روند صدور اخطار مؤثر باشد. (شکرچی، ۱۳۹۴: ۶۲)

نکته قابل توجه در بحث اخطار ساده، مقام مسئول صدور و تشریفات عملی صدور اخطار در حقوق انگلیس است. اولین ارگانی که از این وسیله برای حل و فصل پرونده های کیفری بهره گرفته است، پلیس بوده است. وظیفه پلیس ارائه مقدماتی دلایلی در فرایند عدالت کیفری بوده است. می دانیم ارائه دلیل، یک عامل تعیین کننده و مهم است. تصمیمات دادگاه تا حد زیادی بستگی به تحقیقات اولیه دارد. (کشفی، ۱۳۷۷: ۱-۲). تردیدی وجود ندارد که پلیس نقش عمده و مستقلی را در مرحله «تأمین یا تدارک پرونده» برای نظام کیفری ایفا می نماید. با مقایسه و تطبیق حقوق کیفری ایران و انگلیس در زمینه پلیس بایستی گفت، با توجه به گرایش بیشتر آیین دادرسی کیفری ایران به سیستم رومی ژرمنی و این که در این نظام، پلیس اغلب زیر نظر مقامات قضایی تحقیق، انجام وظیفه می کند، وظایف آن بسیار محدودتر از وظایف

و اختیارات پلیس در انگلستان است و در این مورد ضرورت تصویب مقررات مدون مورد غفلت واقع شده است (یکرنگی، ۱۳۸۵: ۱۵۴).

طبق قانون پلیس و ادله کیفری<sup>۱</sup> متهم پس از دستگیری و بازداشت در کلانتری و یا در صورت حضور داوطلبانه در کلانتری و دریافت اخطار، حق مشاوره حقوقی و تخصصی را خواهد داشت و مظنون نیابستی برای اخذ تصمیم آنی برای پذیرش اخطار ساده تحت فشار قرار داده شود.

قضازدایی در کنار دو مفهوم دیگر یعنی کیفرزدایی و جرم زدایی، از مکانیسم‌های جدید سیاست جنایی هستند که برای جلوگیری از ورود افراد به چرخه عدالت کیفری مورد استفاده قرار می‌گیرند. (مهرا، ۱۳۹۰: ۱۶۴).

تاثیر ایده قضازدایی در عمل به گونه‌ای بوده است که برخی از افراد افزایش میزان استفاده از آن را از سال ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۵ تا دو برابر ذکر می‌کنند (Gibson & Cavandino, 1995: 56). و برخی دیگر بر این عقیده اند که بیشتر پرونده‌های کیفری مربوط به کودکان بعد از سال ۱۹۸۵ توسط پلیس اخطار دریافت کرده‌اند، که این میزان برای پسران ۹۰ درصد و برای دختران ۹۷ درصد در سال ۱۹۹۳ بوده است. (Gelsthorp & Morris, 1998: 210).

در سیستم حقوقی ایران اخطار در مرحله تعقیب که به معنای اجتناب از ورود پرونده به چرخه دستگاه قضایی باشد وجود ندارد، بلکه قوانین مختلفی وجود دارند که در آنها اخطار به عنوان نوعی محکومیت در پایان رسیدگی مورد استفاده قرار می‌گیرد. از جمله در چندین ماده از قانون تعزیرات حکومتی امور بهداشتی و درمانی مصوب ۱۳۶۷/۱۲/۲۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام از اخطار به عنوان مجازات در اولین مرحله از برخورد با متهم یاد شده است و در صورت تکرار جرم نیز، سایر مجازات‌ها پیش بینی شده است به طوری که ماده ۱۳ قانون اخیرالذکر مقرر می‌دارد: " دارو باید دارای پروانه ساخت یا مجوز از طرف وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی باشد و عرضه و فروش داروی فاقد پروانه ساخت یا مجوز ورود از طرف داروخانه جرم محسوب شده و متخلف به مجازات‌های زیر محکوم می‌گردد: مرتبه اول - اخطار کتبی و جمع آوری داروهای غیر مجاز ... " یا در ماده ۱۶ همان قانون مقرر شده است: " مسئول فنی باید در ساعات مقرر در داروخانه حضور داشته باشد و تخلف از آن جرم محسوب شده و متخلف به مجازات‌های زیر محکوم می‌گردد: مرتبه اول - اخطار کتبی با درج در پرونده ...."، بنابراین

<sup>1</sup> Police and Criminal Evident Act 1998 .



ملاحظه می شود که در قانون تعزیرات حکومتی در امور بهداشتی و درمانی اخطار به مرتکب به عنوان یکی از اقسام مجازات مرتبه های اول پذیرفته شده است.

ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ نیز در باره اطفال و نوجوانانی که مرتکب جرائم تعزیری می شوند و سن آنها در زمان ارتکاب جرم نه تا پانزده سال تمام شمسی باشد حسب مورد اخطار و تذکر یکی از تدابیر اصلاحی و تربیتی است که در نظر گرفته شده است. علاوه بر جرائم تعزیری، در جرایم مستوجب حد و قصاص هر گاه نابالغ مرتکب جرم شود در صورتی که از دوازده تا پانزده سال قمری داشته باشد نیز اخطار و تذکر به عنوان یکی از ضمانت اجراها در نظر گرفته شده است. (شکرچی زاده، ۱۳۹۴: ۲۲).

ملاحظه می شود که اخطار و دادن تذکر برای اطفال و نوجوانان در حقوق کیفری ایران یک تدبیر اصلاحی و تربیتی و در راستای کیفرزدایی (اقتضاء کیفر) و نه قضازدایی (اقتضاء تعقیب) بوده و صرفاً در جرایم تعزیری و حدود و قصاص به عنوان مجازات پذیرفته شده است.

## ۲-۴- توبیخ و هشدار نهایی در حقوق ایران و انگلیس

در حقوق انگلستان نهاد توبیخ و هشدار نهایی، اولین بار در قانون جرم و بی نظمی ۱۹۹۸ ابداع گردید. این قانون بموجب مواد ۶۵ و ۶۶، صدور «اخطار» برای جوانان را نسخ و «توبیخ» و «هشدار نهایی» را جایگزین آن نمود. با تصویب این قانون در سال ۱۹۹۸، شاهد یک «سیاست کیفری تقنینی» در حقوق این کشور هستیم.

توبیخ نوعی مختومه کردن پرونده کیفری خارج از دادگاه است که با توجه به سنگینی جرم و در هنگام ارتکاب اولین جرم توسط مجرم جوان با حصول شرایطی، صادر خواهد شد. طرح هشدار نهایی<sup>۱</sup>، سیستم توبیخ<sup>۲</sup> و هشدار نهایی<sup>۳</sup> را برای مجرمان ۱۰-۱۷ سال معرفی می نماید. شرط صدور اخطار ارتکاب این است که مرتکب برای بار نخست مرتکب جرم می شود ولی هشدار نهایی برای مجرمی که برای دومین بار مرتکب جرمی شود، صادر خواهد شد و انجام تعقیب و متهم کردن برای مجرم جوانی مناسب خواهد بود، که جرم شدیدتری مرتکب شده و یا بر ارتکاب جرم خود اصرار می کند. (Hannibal & Mount ford, 2008, 483).

هشدار نهایی یکی از مصادیق قاعده اقتضاء تعقیب در مورد بزهکاری جوانان است. هشدار نهایی که مشابه با توبیخ است، نوعی حل و فصل پرونده کیفری خارج از دادگاه است، که

<sup>1</sup> The Final Warning Scheme.

<sup>2</sup> Reprimand.

<sup>3</sup> Final Warning.

معمولاً در مورد آنها قبلاً توبیخ صادر شده و دومین جرم را مرتکب می‌شوند صادر می‌شود. پس از دریافت هشدار نهایی، اگر فرد جوان مرتکب جرمی شود، بایستی تعقیب شود. تنها استثنایی که در این زمینه وجود دارد آن است که از صدور هشدار قبلی حداقل دو سال گذشته باشد یا این که جرم آنقدر سنگین نباشد که اتهامی صورت گیرد، که در این موارد هشدار دوم صادر می‌شود. (Final Warning Scheme, 2002: 6).

پس از صدور هشدار نهایی پلیس قانوناً مکلف است که مجرم جوان را به تیم بزهکاری جوانان<sup>۱</sup> ارجاع دهد. گروه رسیدگی نیز قانوناً موظف است تا در مورد مجرم جوان ارزیابی انجام دهد و در بسیاری مواقع برنامه مداخله‌ای<sup>۲</sup> که هدف آن جلوگیری از ارتکاب مجدد جرم است را ارائه نماید. برنامه‌های مداخله‌ای بایستی شامل یکی از عناصر جبران خسارت مستقیم به قربانی یا جامعه باشد. داوطلبانه و اختیار بودن یکی از ویژگی‌های ذاتی توبیخ و هشدار نهایی می‌باشد. بعلاوه شرکت در برنامه مداخله‌ای یا کنفرانس جبرانی نیز داوطلبانه بوده و صدور هیچ هشدار نباید به توافقی در زمینه شرکت در این برنامه‌ها منوط شود.

هدف طرح هشدار نهایی، حل و فصل جرایم کودکان و نوجوانان، قبل از ورود به سیستم دادگاهی اعلام شده است از آنجایی که هدف اصلی سیستم عدالت جوانان، در بخش ۳۷ قانون جرم و بی‌نظمی سال ۱۹۹۸، جلوگیری از ارتکاب جرم و جنایت توسط کودکان و جوانان اعلام شده است. با تصویب قانون جرم و بی‌نظمی ۱۹۹۸ روند صدور اخطار در مورد جوانان متوقف شد، تا جایی که پایان دادن به اخطارهای مکرر و ارائه پاسخ مؤثر و پیش برنده به رفتار تبهکارانه، از اهداف صدور توبیخ و هشدار نهایی اعلام شده است. حصول اطمینان از این که جوانانی که پس از دریافت هشدار بار دیگر مرتکب جرمی شده باشند، دادگاه به سرعت پرونده آنان را مورد بررسی قرار می‌دهد، نیز از اهداف صدور هشدار نهایی بر اساس قانون جرم و بی‌نظمی است. یکی دیگر از اهداف صدور اخطار نهایی در مورد جوانان، رضایت قربانی جرم اعلام شده است و هدف غایی صدور هشدار نهایی حصول منافع جامعه است. اهمیت این موضوع تا جایی است که حتی دادستان سلطنتی نیز بایستی منافع جوانان و نفع عمومی را به صورت همزمان در تصمیم به تعقیب و یا عدم تعقیب در نظر بگیرد و دادستان سلطنتی نباید تعقیب را تنها به دلیل سن مدعی علیه رها کند. (Home Office, 2006: 14). از جمله آثار توبیخ و هشدار نهایی این است که در صورتی که فرد مجرم توبیخ و هشدار نهایی دریافت نماید و متعاقباً مرتکب

<sup>1</sup> The Youth Offending Team (YOT).

<sup>2</sup> An Intervention Program.

جرم جدیدی را مرتکب شود، این تکرار جرم نشان دهنده مفید نبودن توبیخ و هشدار نهایی می‌باشد و این مسأله بر تصمیمات بعدی پلیس تأثیر می‌گذارد. یکی دیگر از آثار توبیخ و هشدار نهایی، ثبت آن به عنوان سابقه فرد جوان و ذکر آن در دادرسی‌های بعدی است. سابقه فرد جوان اعم از محکومیت‌ها، توبیخات و هشدارهای نهایی توسط رایانه ملی پلیس، نیروی محلی پلیس و نیز گروه‌های رسیدگی به جرایم جوانان تعیین می‌شود. بعلاوه در هنگام ابلاغ هشدار نهایی، مأمور پلیس بایستی روشن کند که، اسناد و مدارک مربوط به توبیخ و هشدار نهایی تا زمانی که مجرم به سن ۱۸ سالگی برسد و یا برای حداقل ۵ سال هر کدام که زمان آن طولانی تر شود در اداره پلیس حفظ و نگهداری می‌شود. از آنجا که برای صدور توبیخ و هشدار نهایی فرد جوان بایستی به ارتکاب جرم اقرار نماید و اقرار ملکه دلایل می‌باشد، این امر واند در دادرسی‌های مدنی علیه فرد مورد استفاده قرار گیرد. مرکز پلیس می‌تواند در موارد خاص ثبت توبیخ و هشدار نهایی را در دسترس کارفرمایان بالقوه قرار دهد به عنوان مثال در مواردی همچون کار کودکان، بیماران، افراد بی دفاع، اجرای عدالت و یا موضوعات مربوط به صداقت مالی. این امر که دریافت توبیخ و هشدار نهایی، بتواند محدودیت‌هایی برای مجرم جوان، از نظر استخدام در برخی از مشاغل حساس فراهم آورد، بایستی به عنوان یک روش مناسب در کشور ما نیز الگوبرداری شود. (شکرچی زاده، ۱۳۹۴: ۸۱).

در حقوق ایران، نهاد توبیخ و هشدار نهایی به عنوان یکی از مصادیق، اعمال قاعده اقتضا داشتن تعقیب، مورد شناسایی قرار نگرفته است. اما ملاحظه موادی از قانون تعزیرات حکومتی امور بهداشتی و درمانی مصوب ۱۳۶۷/۲/۲۳، ما را به این واقعیت رهنمون می‌سازد که مقنن از «توبیخ کتبی» به عنوان یک مجازات در پایان فرایند دادرسی استفاده نموده است. ماده ۲ قانون اخیرالذکر مقرر می‌دارد: "ایجاد موسسه پزشکی توسط افراد متخصص بدون پروانه کار جرم بوده و متخلف به مجازات‌های زیر محکوم می‌گردد: مرتبه اول - تعطیل موسسه، توبیخ کتبی و درج در پرونده پزشکی ... " یا ماده ۸ این قانون مقرر می‌دارد: " ترک موسسه پزشکی توسط مسئول فنی و پزشک کشیک و سایر کادرهای تخصصی در ساعت مقرر، تعطیل غیر موجه مطب و یا موسسه بدون اطلاع سازمان نظام پزشکی و نپذیرفتن درصدی از بیماران بیمه که وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تعیین می نماید، جرم محسوب شده و متخلف به مجازات‌های زیر محکوم می گردد: مرتبه اول - توبیخ کتبی و درج در پرونده پزشکی ... ".

البته در ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی نیز در خصوص جرایم ارتكابی توسط اطفال و نوجوانان ۹ تا ۱۵ سال شمسی به دادن نصیحت توسط دادگاه اشاره شده است و بنظر می‌رسد

که این موضوع مترادف با توبیخ و سرزنش در حقوق انگلستان بوده است. ولی چنانچه ملاحظه می‌شود این موارد در ذیل فصل دهم این قانون با عنوان مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی اطفال و نوجوانان آورده شده است. بنابراین موارد فوق در مقام اعمال مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی است و توسط دادگاه اعمال می‌شود، که با مفهوم قاعده اقتضاء تعقیب که متوقف نمودن متهم در آغاز فرایند رسیدگی کیفری و جلوگیری از ورود او به چرخه عدالت کیفری و تحمیل تبعات تعقیب و رسیدگی است، مغایرت دارد.

### ۳-۴-۴- اخطار مشروط جوانان<sup>۱</sup> در حقوق ایران و انگلیس

اخطار مشروط یکی از موارد حل پرونده‌های کیفری خارج از دادگاه است که در بخش ۳ قانون عدالت کیفری سال ۲۰۰۳ (که توسط قانون عدالت و پلیس سال ۲۰۰۶ اصلاح شده) مطرح شده است. در مرحله اول بر اساس قوانین ذکر شده، اخطارهای مشروط فقط برای مجرمین بزرگسال اجرا می‌گردیده است. تا این که قانون مهاجرت و عدالت کیفری سال ۲۰۰۸، در بخش ۴۸ خود با اصلاح قانون جرم و بی‌نظمی ۱۹۹۸، کاربرد اخطارهای مشروط را برای افراد جوان بین ۱۰ تا ۱۷ سال توسعه داده است.<sup>۲</sup>

« اخطار مشروط جوانان » به معنی اخطاری است که برای کودکان معارض قانون، صادر می‌شود و شروطی دارد که به آن ضمیمه شده و مجرم بایستی این شروط را عملی سازد.<sup>۳</sup> اخطار مشروط جوانان، حکم محکومیت نیست، بنابراین آثار صدور حکم محکومیت را ندارد. اخطار مشروط جوانان اختیاری بوده و کودک معارض قانون هم در مرحله پذیرش این اخطار و هم در مرحله اجرای شروط اخطار، از آزادی کامل برخوردار است و در هر مرحله می‌تواند، ضمن اعلام عدم رعایت شروط، تقاضای اعمال تعقیب قانونی را بنماید. اخطار مشروط، همراه شروطی است که منتفی شدن تعقیب کیفری در این نوع اخطار، منوط به اطاعت از آنها یعنی اجرای شروط مذکور در زمان تعلیق است.

<sup>1</sup> youth conditional caution.

<sup>2</sup> Code Of Practice For Youth Conditional Cautions For 16 & 17 Year Olds, Laid Before Parliameny In Draft Pursuant To Section 66 G Of The Crime And Disorder Act 1988 Subject To Approval By A Resolution Of Each House Of Parliament. 2009, No 1-2.

<sup>3</sup> Code Of Practice For Youth Conditional Cautions For 16 \* 17 Year Olds, 2009, Crime & Disorder Act 1998, No 66A, 2.

### ۱-۳-۴- جرائم مشمول صدور اخطار مشروط جوانان

جرایمی که می‌توان برای آنها اخطار مشروط جوانان صادر کرد. اول- جرایم صرفاً اختصاری : هرگونه جرم صرفاً اختصاری<sup>۱</sup> از قبیل تهاجم عادی، حمله به افسر پلیس، بخش ۴ و ۴۴ قانون نظم عمومی ۱۹۸۶. دوم- در مورد جرایم زیر و شروع به جرم آنها نیز می‌توان اخطار مشروط صادر کرد:

- ۱) جرایمی که در قانون سرقت ۱۹۶۸ تعیین شده است از جمله: دزدی، حسابداری صوری.
- ۲- جرایمی که در قانون سرقت ۱۹۷۸ مشخص شده اند از جمله: فرار از پرداختن هزینه.
- ۳- جرایمی که در قانون کلاهبرداری ۲۰۰۶ مشخص شده‌اند از جمله: نمایش کذایی، قصور منجر به افشای اطلاعات، کلاهبرداری بواسطه سوء استفاده از موقعیت، تصرف کالاهایی برای بکارگیری در کلاهبرداری.
- ۴- جرایمی که در قانون تخریب جزایی ۱۹۷۱ آمده است از جمله: خراب کردن و آسیب رساندن به اموال .
- ۵- جرایمی که در قانون سوء استفاده از مواد مخدر ۱۹۷۱ تعیین شده اند از جمله : داشتن هر نوع مواد مخدر (متناسب با مصرف شخصی) .
- ۶- جرایمی که در قانون ترافیک جاده‌ای ۱۹۸۸ و فهرست راهنمای ۲ از قانون مجرمان ترافیک جاده‌ای ۱۹۸۸ مشخص شده‌اند: جعل اسناد (نظیر جرایم مربوط به استفاده از گواهی نامه رانندگی و گواهی بیمه با هدف فریبکاری).
- ۷- جرایمی که در قانون ثبت و مالیات وسیله نقلیه ۱۹۹۴ ذکر شده‌اند از جمله: جعل و تقلب (نظیر استفاده فریبکارانه از گواهی مالیات)<sup>۳</sup> .

در سال ۲۰۰۸ با تصویب قانون مهاجرت و عدالت کیفری سال ۲۰۰۸، قلمرو استفاده از اخطارهای مشروط برای افراد جوان بین ۱۰ تا ۱۷ سال توسعه داده شد. ولی به عنوان بخشی از یک رویکرد مرحله به مرحله، اخطار مشروط جوانان در حال حاضر تنها برای جوانان سنین ۱۶ و ۱۷ سال بکار می‌رود. اخطار مشروط جوانان به عنوان مرحله بعدی هشدار و توبیخ به عنوان

<sup>1</sup> Summary Only Offences.

<sup>2</sup> The Director's Guidance On Youth Conditional Cautions Annex A: Offences That May Be Youth Conditionally Cautioned, Summary Only Offences

<sup>3</sup> The Director's Guidance On Youth Conditional Cautions Annex A: Op. Cit, The Following Offences And Attempts To Commit Them.

یک وسیله حل و فصل شدیدتر است<sup>۱</sup>. بنابراین در سابقه فرد ممکن است توبیخ و یا هشدار نهایی وجود داشته باشد.

### ۲-۳-۴- شرایط صدور اخطار مشروط جوانان

محکومیت قبلی کودک معارض قانون، مانع صدور اخطار مشروط است، یعنی برای صدور چنین اخطاری که تنها می تواند توسط یک فرد ذیصلاح (مثل افسر پلیس) اجرا شود، مجرم جوان نباید سابقه محکومیت قبلی داشته باشد.<sup>۲</sup> شرط اصلی صدور اخطار مشروط جوانان آن است که مجرم جوان، نزد فرد ذیصلاح به جرم خود اعتراف کند. اخطار مشروط در شرایطی که مجرم، ارتکاب جرم را انکار می کند و یا یک دفاع ارائه می نماید نبایستی پیشنهاد شود. قانون جرم و بی نظمی مصوب ۱۹۹۸ در این موارد اعلام می دارد که مجرم باید مدرکی را امضاء کند که شامل موارد ذیل باشد:

(الف) جزئیات جرم باشد.

(ب) اعتراف صورت گرفته توسط او به ارتکاب جرم .

(ج) رضایت او برای صدور اخطار مشروط.

(د) و شرایط ضمیمه شده به اخطار.<sup>۳</sup>

علاوه بر موارد فوق مجرم جوان بایستی صراحتاً دریافت اخطار مشروط جوانان را قبول کند. (شکرچی، ۱۳۹۴: ۲۰۴). موافقت و رضایت بزه دیده شرط صدور اخطار مشروط جوانان نیست.<sup>۴</sup> مهمترین نتیجه پذیرش اخطار مشروط، تعلیق امر تعقیب خواهد بود. بعبارت دیگر، تصمیم برای اجرای اخطار مشروط جوانان، موجب تعلیق هرگونه اقدامات کیفری می شود، در حالی که به فرد جوان فرصتی داده می شود که با شرایط پذیرفته شده موافقت کند.<sup>۵</sup>

مشخصات کودک معارض قانون، برای هر اقدام مدنی در اختیار بزه دیده قرار می گیرد.<sup>۶</sup> پس از صدور اخطار مشروط جوان، در صورتی که فرد مجدداً مرتکب جرمی شود، در مورد دریافت حکم برائت مشروط در حق وی، محدودیت وجود خواهد داشت. در صورتی که اخطار مشروط

<sup>1</sup> Code Of Practice For Youth Conditional Cautions For 16 & 17 Year Olds, 2009, Op. Cit No2-1

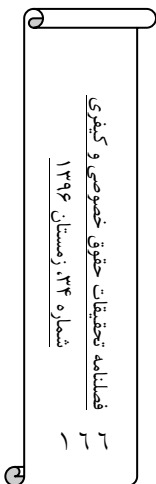
<sup>2</sup> Ibid, No 1-5.

<sup>3</sup> Code Of Practice For Youth Conditional Cautions For 16 & 17 Year Olds, 2009, Op. Cit No 66 B, 6.

<sup>4</sup> Ibid, No 10-1.

<sup>5</sup> Code Of Practice For Youth Conditional Cautions For 16 & 17 Year Olds, 2009, Op. Cit No 1-4.

<sup>6</sup> Ibid, No 12-4, 5.



جوانان صادر گردد که شرایط آن رعایت نشود، جزء سوابق مجرم جوان ثبت می‌شود و چنانچه تعقیب برای جرم اولیه به دنبال عدم رعایت شرایط ضمیمه شده به اخطار مشروط آغاز شود، دادستان بایستی اطمینان حاصل کند که دادگاه از حقیقت صدور اخطار مشروط و جزئیات مشروط ضمیمه شده به اخطار و میزان رعایت نسبی شرایط آگاه می‌شود. در دادگاه ممکن است این اطلاعات در زمان رسیدگی به مورد دعوی مورد استفاده قرار گیرد.<sup>۱</sup>

### ۳-۳-۴- شروط منضم به اخطار مشروط جوانان

شروطی که به اخطار مشروط جوانان ضمیمه می‌شوند به قرار ذیل هستند:

۱- شروط اصلاحی یا بازتوانی<sup>۲</sup>: این شروط در زمره شروط اصلی هستند که به اخطار ضمیمه می‌شوند و به اصلاح رفتار مجرم کمک می‌کنند، احتمال ارتکاب مجدد جرم را کاهش می‌دهند و بازگشت مجدد مجرم جوان به جامعه را تسهیل می‌کنند.<sup>۳</sup> ۲- شروط جبرانی<sup>۴</sup>: شروط جبرانی به جبران زیان‌هایی که مستقیم یا غیر مستقیم توسط مجرم وارد شده، کمک می‌کنند.<sup>۵</sup> این شروط می‌توانند شامل عذرخواهی، تعمیر و یا درست کردن هر یک از خسارات وارده باشد، به شرطی که اینها رضایت قربانی را در پی داشته باشد. ۳- شروط تنبیهی<sup>۶</sup>: این شروط شامل پرداخت جریمه مالی، کار بدون دستمزد یا حضور در مکانی خاص برای انجام فعالیتی توافق شده، می‌باشند. زمانی که ارائه پاسخ مقتضی و مناسب به رفتار مجرمانه ای لازم است، شرط جزایی ممکن به طور مجزا یا به همراه سایر شروط صادر شود. یکی از مصادیق بارز شروط تنبیهی، پرداخت جریمه مالی است. ماده (۲) ۶۶ قانون اصلاح قانون جرم و بی‌نظمی اشعار می‌دارد: "شروط پرداخت جریمه مالی نمی‌تواند به اخطار مشروط جوان مجرم ضمیمه شود مگر این که جرم یا توصیف تعیین شده، در دستورالعمل که توسط وزیر منصوب ملکه صادر شده است تعیین شده باشد".<sup>۷</sup> ۴- شروط محدود کننده<sup>۷</sup>: اینها شروطی هستند که محدودیت‌هایی را به کودک معارض قانون تحمیل می‌کنند و تنها زمانی می‌توانند مورد استفاده قرار گیرند که بتوانند نقشی در رسیدن به هدف اصلاح، بازتوانی و یا تنبیه افراد داشته باشند.

<sup>1</sup> Ibid, No 15

<sup>2</sup> Rehabilitative Conditions

<sup>3</sup> Code Of Practice For Youth Conditional Cautions For 16 & 17 Year Olds, 2009, Op. Cit No 6-1, 7-1

<sup>4</sup> Reparation Condition's

<sup>5</sup> Ibid, No 6-2, 7-1

<sup>6</sup> Code Of Practice For Youth Conditional Cautions For 16 & 17 Year Olds, 2009, Op. Cit No 6-5, 7-3

<sup>7</sup> Restrictive conditions

چنین شرایطی را می توان جهت بازداری مجرم در برخورد با افراد، رفتن به برخی مکان ها یا شرکت در برخی فعالیت ها به کار برد.<sup>۱</sup> ۵- شروط عدالت ترمیمی: فرایندهای عدالت ترمیمی ممکن است برای کمک به تعیین شروط ضمیمه شده به اخطار مشروط مورد استفاده قرار گیرند. همچنین مشارکت در فرایند عدالت ترمیمی ممکن است به خودی خود شرطی از اخطار باشد. در چنین مواردی مشارکت مثبت در این فرایند تمام آن چیزی است که مجرم برای رعایت شرایط به طور قانونی نیاز دارد و هر اقدامی ناشی از فرایند عدالت ترمیمی توافقی اختیاری بین مجرم و قربانی را تشکیل می دهد.

شروط منضم به اخطار باید دارای این خصوصیات و ویژگی ها باشند: ۱- مناسب بودن: به طور کلی شرایط الحاقی بایستی مناسب بوده و نباید چنان سنگین و مشقت بار باشد که در مقایسه با نتیجه احتمالی دادگاه شدیدتر باشد.<sup>۲</sup> ۲- متناسب بودن با جرم: در تعیین شرایطی که باید به اخطار مشروط جوانان ضمیمه شود، دادستان باید کلیت شرایط را مدنظر قرار دهد و در پی رسیدن به تناسب شرایط با رفتار مجرمانه باشد.<sup>۳</sup> ۳- انجام پذیر بودن: کودک معارض قانون، باید بتواند شرایط را به صورت رضایت بخش و در مدت زمانی منطقی تکمیل کند. دادستان ها باید شرایط فرد جوان، ظرفیت روحی و جسمی او را مد نظر قرار دهند و اطمینان حاصل کنند که شرایطی که جریمه های مالی برای اطفال و نوجوانان بزهکار در نظر می گیرند، متناسب با سطح توانایی های او بوده و انجام پذیر باشد.<sup>۴</sup> در این مورد دادستان باید در نظر بگیرد که آیا هر یک از موارد زیر در رابطه با مورد قابل اجرا هست یا خیر:

اول) ارائه فرصت هایی برای جبران خسارت قربانی جرم، جامعه و محیط.

دوم) کاربرد شرایطی که منافع قربانی، جامعه یا محیط را تأمین کنند (برای مثال با ملزم کردن مجرم که از برخی محیط ها دور بماند).

سوم) استفاده از فرایندهای ترمیمی و جبرانی برای داشتن تأثیری مثبت بر جامعه یا افرادی که متضرر از رفتار مجرمانه بوده اند.

چهارم) موقعیت هایی که کار بدون دستمزد را فراهم کنند، که برای جامعه منافی در بر داشته باشد.

پنجم) کاربرد شرایط مجازات مالی برای تنبیه مجرم و جلوگیری از وقوع جرایم آتی.

<sup>1</sup> Code Of Practice For Youth Conditional Cautions For 16 & 17 Year Olds, 2009, Op. Cit, No 6-7, 7-5

<sup>2</sup> Ibid, No 6-2

<sup>3</sup> Code Of Practice For Youth Conditional Cautions For 16 & 17 Year Olds, 2009, Op. Cit, No 8-3

<sup>4</sup> Code Of Practice For Youth Conditional Cautions For 16 & 17 Year Olds, 2009, Op. Cit, No 8-4



۴- فقدان تعارض با عقاید مذهبی وعدم تداخل با زمان کار و ... : شرایط باید بدور از هر گونه تعارض با عقاید مذهبی جوان باشند و یا هیچ تداخلی با زمانی باشد که به طور طبیعی کار می‌کند، به مدرسه و یا هرگونه موسسه آموزشی دیگر می‌رود یا در سایر مراکز خدمات تخصصی شرکت می‌کند و چنانچه گذشت شرایط نایبستی بنحوی باشند که مانع بازگشت جوان به خانه، محل کار، محل پرستش یا محل تحصیل او شوند.

یکی از مقاماتی که در صدور اخطار مشروط نقش موثری دارد، پلیس است. در مرحله ابتدایی افسر پلیس تعیین می‌کند که مدارک کافی برای متهم کردن وجود داشته باشد. پلیس بایستی پرونده را به دادستان مربوطه ارجاع دهد تا تعیین شود که آیا اخطار مشروط جوانان صادر شود یا این که فرد جوان بایستی متهم شود. وظیفه دیگر پلیس آن است که به قربانی جرم اطلاع دهد که مورد ممکن است برای صدور اخطار مشروط مورد بررسی قرار گیرد. نظرات قربانی باید پرسیده شود و به دادستان ارائه شود.

مقام اصلی صدور اخطار مشروط جوانان و تعیین کننده نهایی شروطی که باید به اخطار ضمیمه شوند دادستان است. در مقام صدور و تعیین شرایط، دادستان ها بر اساس قانون عملی اخطار مشروط جوانان و راهنمایی رئیس دادستانی در مورد صدور اخطار مشروط جوانان عمل خواهند کرد. بنابراین تصمیم‌گیری برای پیشنهاد اخطار مشروط و شروطی که باید ضمیمه شود، فقط توسط دادستان انجام می‌شود و این تصمیم به عهده فرد ذی صلاح نیست. در صورت امکان تصمیم باید توسط دادستان ویژه در امور جوانان گرفته شود.

#### ۴-۳-۴- مراحل صدور اخطار مشروط جوانان

برای صدور اخطار مشروط جوانان دو مرحله قابل تصور است: ۱- مرحله قبل از اتهام : در این مرحله دادستان بررسی می‌کند که آیا اخطار مشروط جوانان در رابطه با تمام شرایط مورد دعوی و همچنین شرایط جوان بزهکار مقتضی است یا خیر.<sup>۱</sup> نهایتاً این دادستان است که باید تعیین کند آیا اخطار مشروط جوان گزینه مناسبی است یا خیر، یعنی هنگامی که تست مربوط به مدارک مطابقت کرد، دادستان بایستی متقاعد شود که با اعمال شرایط مناسب برای جوان بزهکار با هدف جبران، اصلاح، باز توانی یا مجازات، منافع قربانی، جامعه و نیازهای مجرم جوان به بهترین شکل ممکن رعایت می‌شود. دادستان همچنین باید مطمئن باشد که در صورتی که

<sup>1</sup> The Director's Guidance On Youth Conditional Cautions, 2010, Op. Cit, No 1-1.

صدور اخطار مشروط پذیرفته نشود و یا مجرم جوان شرایط را رعایت نکند، تعقیب قانونی باید صورت گیرد.<sup>۱</sup> دادستان باید تأثیر جرم را بر هر یک از قربانیان جرم و به طور کلی جامعه در نظر بگیرد. این تصمیم دادستان است که تعیین می‌کند که در تمامی شرایط دعوی تا چه حد باید نظرات قربانی نقش داشته باشد. هر یک از نظرات قربانی چه در پشتیبانی از پیگیری قانونی باشد و یا مخالفت آن نایستی برجسته ملاحظه شود، ولی برای دادستان در تعیین اقدام مناسب مد نظر قرار داده می‌شود.

برای انجام این فرایند دادستان یک بررسی دو مرحله‌ای انجام خواهد داد: اول: مرحله مقدماتی: در مرحله مقدماتی دادستان تعیین خواهد کرد که آیا شرایط لازم از نظر مدارک و شواهد مقتضی صدور اخطار مشروط جوانان است یا خیر و چنانچه مقتضی است آیا این مورد دعوی برای اجرای اخطار مشروط جوان مجرم مناسب است یا خیر. اگر این مورد مناسب باشد دادستان پلیس را راهنمایی می‌کند تا آن را به گروه رسیدگی کننده به جرایم جوانان ارجاع دهد.

دوم: بررسی نهایی دادستان: با در نظر گرفتن نظرات و ارزیابی گروه رسیدگی کننده به جرایم جوانان، دادستان مشخص می‌کند که آیا اخطار مشروط جوان مجرم موثر خواهد بود و بایستی به او پیشنهاد شود یا خیر. دادستان باید دلایلی را که نشان می‌دهد اخطار مشروط مناسب مورد دعوی بوده و در این مورد شروط خاصی ضمیمه شده است به طور مختصر ثبت می‌کند. این موضوع باید مشخص شود که آیا تلاشی برای دستیابی به اهداف جبرانی، بازتوانی یا کیفی صورت گرفته است یا خیر. اگر به دنبال ارزیابی گروه رسیدگی کننده به جرایم جوانان، دادستان تعیین کند که مورد دعوی برای اخطار مشروط جوان مجرم مناسب نیست، دادستان نتیجه مقتضی را تعیین می‌کند و گروه رسیدگی کننده به جرایم جوانان و پلیس را آگاه می‌سازد. ۲- مرحله پس از اتهام: هنگامی که جوانی به جرمی متهم شود، ولی به نظر می‌رسد که برای این مورد صدور اخطار مشروط گزینه مناسب‌تری بوده است، مورد توسط دادستان مورد بازنگری قرار می‌گیرد. دادستان مسئول بازنگری باید بررسی کند که آیا اخطار مشروط باید صادر شود یا خیر. دادستان سپس باید اطمینان حاصل کند که جوان به گروه رسیدگی کننده به جرایم جوانان ارجاع داده می‌شود تا یک ارزیابی سریع برای تشخیص شرایط

<sup>1</sup> Ibid, No 4-4.

<sup>2</sup> Post Charge

پیشنهادی صورت گیرد. تعقیب قانونی فعلی باید به تعویق بیفتد تا زمانی که مشخص شود که اخطار مشروط جوان باید صادر شود یا خیر.<sup>۱</sup>

هنگام بررسی هر گونه جرمی دادستان در مرحله اول تعیین می‌کند که آیا توبیخ رسمی یا صدور هشدار مناسب است یا خیر. اخطار مشروط جوان هنگامی صادر می‌شود که جرم مرتکب شده جدی‌تر از آن است که بتوان آن را با توبیخ یا هشدار رسیدگی کرد و یا توبیخ و هشدار قبلاً انجام شده است.<sup>۲</sup>

تصویب شرایط اخطار مشروط با دادستان است. نقش تیم بزهکاری جوان در روند صدور اخطار مشروط جوانان عبارتست از:

اول- انجام ارزیابی اولیه برای شناسایی سریع موارد مناسب در زمان‌هایی که اخطار مشروط جوان باید بدون وقفه اجرا شود.

دوم- انجام ارزیابی بیشتر فرد جوان برای تعیین شرایط مناسب یا برنامه ارجاعات در صورت لزوم.

سوم- اعلام سریع نتیجه ارزیابی اولیه به پلیس و دادستانی به طوری که اخطار مشروط جوان در موارد مناسب فوراً انجام شود و یا در مواردی که ارزیابی بیشتری مورد نیاز است، جوان بتواند به قید وثیقه آزاد شود.

اگر گروه رسیدگی کننده به جرایم جوانان زمان بیشتری برای ارزیابی بزهکار جوان و شناسایی شرایط مناسب و برنامه ارجاعات نیاز داشته باشد، پلیس باید مجرم جوان را به قید ضمانت آزاد کند تا مجدداً به اداره پلیس و یا دفاتر گروه رسیدگی به جرایم جوانان مراجعه نماید. در صورت لزوم می‌توان مجرمان جوان آزاد شده به قید ضمانت را تحت شرایط ضمانت مشروط<sup>۳</sup> قرار داد.

هنگامی که دادستان پس از بررسی گزارش مربوط به تیم بزهکاری جوانان تصمیم بگیرد که اخطار مشروط گزینه مناسبی است، یک افسر پلیس با استفاده اطلاعات دریافتی از گروه رسیدگی کننده به جرایم جوانان اقدام به لغو هر گونه ضمانتی می‌کند که بر اساس آن فرد جوان مورد ارزیابی گروه رسیدگی کننده به جرایم جوانان قرار داشت. در این مرحله یک فرد ذیصلاح می‌تواند به یک فرد نوجوان و یا جوان پیشنهاد اخطار مشروط بدهد.

<sup>1</sup> The Director's Guidance On Youth Conditional Cautions, 2010, Op. Cit, No 3-4

<sup>2</sup> Ibid, No 4

<sup>3</sup> Bail Conditions

در این مورد «فرد ذیصلاح» عبارتست از:

الف- افسر پلیس

ب- افسر بازجویی

ج- فرد دارای صلاحیت توسط دادستان مربوطه برای اهداف این بخش است.<sup>۱</sup>

هر کجا گروه رسیدگی کننده به جرایم جوانان آگاه شود که جوان شرایط را رعایت نکرده است باید حتی الامکان برای دستیابی به اطلاعات بیشتر درباره عدم رعایت بکوشد و موقعیتی برای ارایه توضیح فرد جوان به وجود آورد. گروه رسیدگی کننده به جرایم جوانان باید تعیین کند که آیا هدایت بیشتر جوان و اجازه دادن به وی در جهت برقراری شرایط اولیه مناسب است یا خیر؟ اگر مقتضی به نظر نمی رسد مورد دعوی به دادستان ارجاع داده می شود.

در این مورد دادستان بررسی می کند که آیا واقعاً عدم رعایت شرایط وجود دارد یا خیر و چنانچه وجود دارد آیا جوان عذر منطقی برای آن دارد و آیا رعایت نسبی قابل توجه و اساسی بوده است یا خیر. چنانچه مشخص شود که عذر منطقی وجود دارد دادستان با مد نظر قرار دادن نظرات گروه رسیدگی به جرایم جوانان تصمیم می گیرد که مدت زمان برقراری این شرایط را تمدید کرده و یا شرایط اولیه را تغییر دهد.<sup>۲</sup>

هرگاه در مورد دعوی ثابت شود امکان اجرای اخطار مشروط برای کودک معارض قانون وجود ندارد یا جوان قصد رعایت شرایط پیشنهادی را ندارد، فرد ذیصلاح باید مورد را برای رسیدگی بیشتر به دادستان ارجاع دهد. زمانی که دادستان تعیین می کند که باید اقدام به تعقیب جرم اولیه شود، گروه رسیدگی کننده به جرایم جوانان اطمینان حاصل خواهد کرد که کودک معارض قانون، از این موضوع مطلع می شود و اطلاعات مربوطه را به پلیس ارائه می دهد. پلیس در این مرحله هرگونه سوابق ثبت شده محلی و ملی را اصلاح می کند. زمانی که این اقدام انجام شد، اخطار مشروط جوان مجرم بی تأثیر خواهد بود. البته این حقیقت که اخطار مشروط جوان مجرم صادر شده و شرایط آن رعایت نشده است جزء سوابق مجرم جوان ثبت می شود.

مقامی خاص به مأمور پلیس مجوز دستگیری و بازداشت جوان را به موجب بخش ۲۴ الف (۱) قانون عدالت کیفری سال ۲۰۰۳ (اصلاحیه) می دهد. افسر پلیس وارد عمل می شود اما باید

<sup>1</sup> Code Of Practice For Youth Conditional Cautions For 16 & 17 Year Olds, 2009, Op. Cit, No 66A, 7

<sup>2</sup> Ibid, No 10, 11

زمانی اعمال نیرو کند که لازم و ضروری باشد. و در عمل معیارهای لازم در بخش ۲۴ (۴) و (۵) قانون مدارک کیفری و پلیس<sup>۱</sup> به موجب بخش ۲۴ الف قانون سال ۲۰۰۳ برای بازداشت مورد استفاده قرار می‌گیرند. زمانی که مجرم دستگیر شد، ممکن است در صورت لزوم بازداشت شود تا در خصوص دلایل عدم رعایت شرایط تحقیق و بررسی صورت گیرد.

### ۵-۳-۴- آثار تخلف از شرط

زمانی که شرایط ضمیمه شده به اخطار مشروط جوان مجرم تعیین می‌شود، دادستان بایستی مکانیزمی را مد نظر قرار دهد، که به وسیله آن عدم رعایت شروط اثبات شود. در فرضی که ثابت شود شروط الحاقی به اخطار رعایت نمی‌شود دو فرض قابل تصور است: الف- عدم رعایت شروط با عذر منطقی: در این فرض دادستان‌ها باید به دنبال اعمال یک رویکرد حل مسئله با هدف تغییر رفتار مجرم جوان و یا جبران خسارت برای قربانی جرم باشند. این دو هدف در اولویت قرار دارند. چنانچه مشخص شود که عذر منطقی وجود دارد، دادستان با مد نظر قرار دادن نظرات گروه رسیدگی کننده به جرایم جوانان تصمیم می‌گیرد، که مدت زمان برقراری این شرایط را تمدید کرده و یا شرایط اولیه را تغییر دهد. در صورتی که عدم رعایت نسبی باشد، دادستان تصمیم می‌گیرد که اخطار مشروط را کامل فرض کند و در صورتی که منافع عمومی در مورد دعوی نیاز به اقدام بیشتر ندارد پرونده اجرای شرایط را خاتمه یافته فرض می‌کند. هر گونه تغییر در شرایط بایستی ثبت شده و برای جوان مجرم شرح داده شود. هر گونه سرپیچی و امتناع غیرمنطقی برای پذیرش شرایط اصلاح بیش از یکبار مجاز نیست.<sup>۲</sup> ب- عدم رعایت شروط بدون عذر منطقی: در صورتی که مجرم جوان بدون عذر موجه شرایط ضمیمه شده به اخطار را رعایت نمی‌کند با موارد ذیل مواجه خواهد شد. ۱- تعقیب: عدم رعایت شرایط به خودی خود جرم نیست، بلکه ممکن است منجر به تعقیب جرم اولیه گردد. البته هنگامی که هیچ عذر موجهی برای عدم رعایت شرایط وجود ندارد، اخطار مشروط جوان لغو می‌گردد و اقدامات کیفری برای جرم اولیه آغاز می‌شود.<sup>۳</sup> ماده ۶۶E قانون جرم و بی‌نظمی نیز در این خصوص مقرر می‌دارد:

<sup>1</sup> PACE

<sup>2</sup> Ibid, No 13-8

<sup>3</sup> Ibid, No 1-4

«اگر مجرم بدون عذر منطقی از رعایت شرایط ضمیمه شده به اخطار مشروط سرپیچی کند، اقدامات جزایی علیه او برای جرم مورد نظر اجرا می شود.» چنانچه اخطار مشروط جوان مجرم برای جرایم چندگانه صادره باشد، دادستان باید همچنین تعیین کند که کدامیک از جرایم نیاز به تعقیب دارد. این امر به خصوص مربوط به مواردی است که در آن شرایط به طور ناقص رعایت می شوند یا در مواقعی که مجرم جوان ممکن است یکی از شروطی را که به جرم خاصی مربوط می باشد، تکمیل کرده باشد.

۲- بازداشت: زمانی که افسر پلیس دلایل منطقی برای عدم رعایت شرایط ضمیمه شده به اخطار مشروط جوان مجرم بدون هیچ عذر منطقی در اختیار دارد، وارد عمل می شود. اما باید تنها زمانی اعمال نیرو کند که لازم و ضروری است. در فرض فوق مجرم جوان باید تنها در صورت لزوم و در کوتاه ترین مدت ممکن بازداشت شود تا درباره دلایل نقض شرایط توسط وی، بازجویی و تحقیق مشخص شود این امر در زمان کوتاه امکان پذیر نیست مجرم جوان باید به قید وثیقه آزاد شود. ضمن این که فرد ذیصلاح درباره عدم رعایت شرایط بازجویی می کند و دادستان تصمیم می گیرد که آیا جرم اولیه باید مورد اتهام قرار گیرد یا خیر. ۳- ارائه اطلاعات به دادگاه: هرگاه پس از عدم رعایت شرایط، تعقیب قانونی انجام شود، دادستان بایستی اطمینان حاصل کند که دادگاه از صدور اخطار مشروط جوان مجرم که شرایط آن را رعایت نکرده است، آگاه است. در این مورد چنانچه جزئیات شرایط به دادگاه در بررسی مورد دعوی کمک می کند، بایستی ارائه شود. (شکرچی، همان: ۱۹۱).

در حقوق کیفری ایران تاسیسی با عنوان "اخطار مشروط جوانان" وجود ندارد و همانطور که در مبحث اخطار گفته شد، اخطار مطلق یکی از ضمانت اجرای کیفری در پایان فرایند دادرسی برای مجرمین جوان در نظر گرفته شده است.

#### ۴-۴- تعلیق تعقیب

تعلیق در لغت به معنای بلا تکلیف گذاشتن یک امر است، به طوری که نفیاً و اثباتاً تصمیمی در خصوص کار مورد نظر گرفته نشده باشد و همچنین به معنای آویختن می باشد، و اصطلاحاً ایجاد وقفه در اثری است حقوقی مانند وقفه در حدوث عقد نسبت به زمان آن و در امر کیفری تعلیق تعقیب اقدامی است که مقامات ذی صلاح در صورت احراز شرایط قانونی ادامه تعقیب کیفری متهم را برای مدت معینی متوقف می نمایند که چنان چه در آن مدت معین متهم مرتکب جرم جدیدی نشود آثار بزه معنون و قرار صادر ش می گردد (حضرتی، ۱۳۹۲۵: ۱).

مهمترین جایگزین تعقیب که می‌تواند اثرات مثبتی در اصلاح و بازاجتماعی شدن مرتکب جرم داشته باشد و بدون پیامد منفی که معمولاً از محکومیت به کیفر حاصل می‌شود و جامعه را از اهداف مقرر برای مجازات برخوردار نماید، نهاد تعلیق تعقیب است. این سیاست جنایی تقنینی زمانی مطلوب است که در فرایند یک سیاست جنایی قضایی و اجرایی دقیق و حساب شده از آن بهره‌برداری شود. اگر اهداف و ظرافت‌های قرار تعلیق تعقیب در رویه قضایی مورد توجه نباشد و در اجرای دستورات مربوط به این قرار، نظارت لازم اعمال نشود و تنها به عنوان یک سازوکار ارفاقی و وسیله ای برای مختومه کردن پرونده به آن نگریسته شود، آثار مثبت این سیاست جنایی حاصل نخواهد شد. رسیدن به این هدف زمانی مقدور است که اهداف آن به خوبی آموزش داده شود و ملزومات اجرای آن فراهم گردد.

تعلیق تعقیب از مصادیق بارز قضایی محسوب می‌شود که به موجب آن دادستان پس از احراز شرایط مقرر در قانون، می‌تواند پیگیری دعوی کیفری را برای مدت معین معلق نماید. نوع جرم، سن بزهکار، شرایط ارتکاب جرم و اقدامات پس از ارتکاب، در اتخاذ تصمیم به تعلیق تعقیب موثر هستند (<http://www.time.com/time/magazine/article/0,9171,916340,00.html>). در حقوق انگلستان از تلیق تعقیب در مواردی استفاده می‌شود که نخست، با توجه به اوضاع و احوال پرونده، صدور این قرار مناسب باشد. همچنین، جرم از جرائم کم اهمیت باشد و اینکه، متهم به اتهام خود اقرار کرده باشد.

در حقوق کیفری ایران تعلیق تعقیب دارای سابقه بوده و تحت تاثیر سیاست‌های تقنینی متعدد در این زمینه، رویکردهای مختلفی نسبت به آن اتخاذ شده است تعلیق تعقیب برای نخستین بار در سال ۱۳۵۲ خورشیدی با تصویب ماده ۴۰ مکرر در قانون تسریع دادرسی و اصلاح قسمتی از قانون آیین دادرسی کیفری مورد توجه قرار گرفت. پس از آن در سال ۱۳۵۶ خورشیدی و به موجب ماده ۲۲ قانون اصلاح پاره ای از قوانین دادگستری دستخوش تغییراتی گردید. به موجب این ماده " در کلیه اتهامات از درجه جنحه هرگاه متهم اقرار به ارتکاب جرم نماید دادستان راشأ می‌تواند تا اولین جلسه دادرسی با احراز شرایط زیر تعقیب کیفری او را با رعایت تبصره‌های ۱ و ۲ ماده ۴۰ مکرر قانون تسریع دادرسی و اصلاح قسمتی از قوانین آیین دادرسی کیفری و کیفر عمومی معلق سازد: ۱- اقرار متهم حسب محتویات پرونده مقرون به واقع باشد، ۲- متهم سابقه محکومیت کیفری موثر نداشته باشد، و ۳- شاکی یا مدعی خصوصی در بین نبوده یا شکایت خود را استرداد کرده باشد ...". پس از انقلاب اسلامی و به دنبال اصل چهارم قانون اساسی مقررات کیفری متحول شدند. به دنبال کنار گذاشتن درجه بندی جرایم

به خلاف، جنحه و جنایت در ماده ۷ قانون راجع به مجازات اسلامی ۱۳۶۱ خورشیدی و پس از آن ماده ۱۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰، تردیدهایی در خصوص امکان صدور قرار تعلیق تعقیب از سوی دادستان پدید آمد. تا اینکه هیات عمومی دیوان عالی کشور بموجب رای وحدت رویه شماره ۶۶۱ مورخ ۲۲ مهرماه ۱۳۸۲، تردیدهایی مربوط به اعتبار قانون اصلاح چاره ای از قوانین دادگستری را پایان داد(خالقی، ۱۳۹۴: ۴۰). براساس این رای وحدت رویه " هر چند عناوین خلاف، جنحه و جنایت در قوانین جزایی فعلی به کار نرفته، ولی... ماده ۶ قانون اصلاح چاره ای از قوانین دادگستری... به قوت خود باقی است"، سپس ماده ۱۵ قانون مبارزه با مواد مخدر اصلاحی سال ۱۳۸۹/۹/۵ نیز تعلیق تعقیب را پیش بینی نمود.

نهایتاً ماده ۸۱ قانون آیین دادرسی کیفری ۹۲ با الحاقات و اصلاحات سال ۹۴ قرار تعلیق تعقیب را پذیرفته و ماده ۸۱ قانون مذکور در این رابطه مقرر می‌دارد: "در جرایم تعزیری درجه شش، هفت و هشت که مجازات آنها قابل تعلیق است، چنانچه شاکی وجود نداشته، یا گذشت کرده یا خسارت وارده جبران گردیده است و یا با موافقت بزه دیده، ترتیب پرداخت آن در مدت مشخصی داده شود و متهم نیز فاقد سابقه محکومیت موثر باشد، دادستان می‌تواند پس از اخذ موافقت متهم و در صورت ضرورت با اخذ تأمین متناسب، تعقیب وی را از شش ماه تا دو سال معلق کند...".

در تحلیل ماده ۸۱ باید گفت که قانونگذار شرایطی را برای تعلیق مجازات در نظر گرفته است از جمله اینکه الف - جرم ارتكابی از جرایم تعزیری درجه شش، هفت و هشت که مجازات آنها قابل تعلیق است باشد، به عبارتی قرار تعلیق تعقیب شامل جرائم غیر تعزیری و جرائم تعزیری درجه ۱ تا ۶ نمی‌شود. ب - جرم از جرایم غیر قابل گذشت بوده و شاکی وجود نداشته باشد یا در صورت وجود شاگی گذشت کرده و یا در صورت عدم گذشت شاکی نیز، خسارت وارده به شاکی جبران شده باشد، بنابراین در جرائم تعزیری مورد اشاره بشرط جبران خسارات وارده بر شاکی خصوصی، دادستان می‌تواند از تاسیس تعلیق تعقیب استفاده کند. پ - شرط بعدی برای صدور قرار تعلیق تعقیب، اخذ موافقت متهم است، به نظر می‌رسد جایی که شاکی گذشت خود را اعلام نموده، شرط اخذ موافقت ایشان، یک شرط اضافی و زائد می‌باشد. ت - شرط نهایی برای صدور قرار تعلیق تعقیب، اخذ تأمین متناسب در صورت ضرورت است که تشخیص ضرورت اخذ تأمین با مقام دادستان است، نکته قابل توجه این است که چنانچه نظر دادستان بر صدور قرار تعلیق تعقیب باشد، ولی متهم نتواند تأمین متناسب معرفی کند، بناچار تعقیب ادامه خواهد یافت. به نظر می‌رسد در رویه قضایی باید به شکلی رفتار شود که عجز از



تودیع تامین منجر به ادامه تعقیب نشود و به شکل مقتضی و عنداللزوم صدور قرارهای تامین خفیف تر، زمینه برای اعمال سیاست کیفری مبنی بر تعقیب زدایی فراهم شود.

بدین سان، با توجه به اینکه اغلب جرائم کودکان معارض با قانون، از جرائم تعزیری کم اهمیت و به عبارتی داخل در قلمرو جرایم مشمول قرار تعلیق تعقیب می‌باشد و از طرفی سیاست کیفری در قبال کودکان معارض با قانون، اتخاذ سیاست‌های ارفاقی و تربیتی است و تلاش بر این است که از ورود کودکان به محاکم جزائی اجتناب شود، استفاده از قرار تعلیق تعقیب برای رسیدن به این منظور، می‌تواند یکی از ابزارهای مهم حقوقی باشد.

#### ۵-۴- بایگانی پرونده

بایگانی پرونده کیفری از شیوه‌های اداری خارج نمودن پرونده از سیستم عدالت کیفری محسوب می‌شود. بایگانی کردن یک تصمیم اداری است که در پرتو آن مقام تعقیب پس از اتخاذ تصمیم مبنی بر تعقیب نکردن دعوای کیفری دستور ضبط آن را می‌دهد. در واقع دستور دادستان به ثبت و ضبط پرونده های قضایی-کیفری در قسمت بایگانی می‌انجامد (بوریکان و سیمون، ۱۳۸۹: ۴۶). در ماده ۲۲ قانون مربوط به تشکیل شرکت پست مصوب ۱۳۶۶ که یکی از جلوه‌های بایگانی نمودن پرونده است آمده است: "چنانچه متهم برای اولین بار مرتکب یکی از جرایم مذکور در مواد ۱۴، ۱۶، ۱۵، ۱۹، ۱۸ و ۲۰ شده باشد و دادستان تشخیص دهد با وعظ یا توبیخ یا تهدید یا اخذ تعهد تادیب خواهد شد و خسارت وارده به صاحب کالا را جبران نموده باشد با اعمال یکی از موارد تادیب فوق پرونده را بایگانی می‌نماید..." (نیازپور، ۱۳۹۰: ۱۶۹)

قرار بایگانی کردن پرونده اصولاً در راستای اعمال قاعده موقعیت داشتن تعقیب و به عنوان یکی از جایگزین‌های تعقیب توسط دادستان مورد استفاده قرار می‌گیرد و به همین دلیل در متن اولیه لایحه قانون آیین دادرسی کیفری صدور این قرار از اختیارات دادستان شناخته شده بود، اما از آنجایی که این قرار تنها در جرایم کم اهمیت یعنی جرایم تعزیری درجه هفت و هشت پیش‌بینی شده بود و در این جرایم، با طرح مستقیم پرونده در دادگاه تحقیقات مقدماتی و رسیدگی توسط قاضی دادگاه صورت می‌گیرد (ماده ۳۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری)، در قرار بایگانی نمودن پرونده نیز اصلاحاتی بعمل آمد و در مورد مقام صادر کننده این قرار از کلمه "مقام قضایی" به جای "دادستان" استفاده شد. در نتیجه هم اکنون ماده ۸۰ قانون آیین دادرسی کیفری اصلاحی ۹۴/۳/۲۴ مقرر می‌دارد: "در جرائم تعزیری درجه هفت و هشت، چنانچه شاکی وجود نداشته یا گذشت کرده باشد، در صورت فقدان سابقه محکومیت موثر

کیفری، مقام قضایی می‌تواند پس از تفهیم اتهام با ملاحظه وضع اجتماعی و سوابق متهم و اوضاع و احوالی که موجب وقوع جرم شده است و در صورت ضرورت با اخذ التزام کتبی از متهم برای رعایت مقررات قانونی، فقط یکبار از تعقیب متهم خودداری نماید و قرار بایگانی پرونده را صادر کند. این قرار ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ، قابل اعتراض است.<sup>۱</sup> (خالقی، همان: ۲۸۲). قرار بایگانی پرونده در جرایم مستوجب حد، قصاص و دیات و تعزیرات درجه ۱ تا ۶ قابل اعمال نیست. (میلائی و پورقاسم، ۱۳۹۵: ۱۳).

شیوه بایگانی کردن پرونده در حقوق انگلستان جایگاهی ندارد. (جمشیدی و نوریان، ۱۳۹۲:

۱۵۱).

قرار بایگانی پرونده در جرائم کم اهمیت (تعزیرات درجه ۷ و ۸) که اطفال و نوجوانان بزهکار مرتکب می‌شوند، می‌تواند شیوه مناسبی باشد تا به استناد آن کودکان معارض قانون به محاکم جزائی وارد نشده و برچسب مجرمانه نخورند. البته به نظر می‌رسد در مواقعی که از شیوه بایگانی کردن پرونده در مورد اطفال و نوجوانان معارض قانون استفاده می‌شود، نباید التزام کتبی از این اشخاص گرفته شود چرا که اخذ التزام از اینها مفهومی ندارد، بلکه اخذ التزام کتبی مذکور از والدین یا سرپرستان قانونی آنها مناسب تر بوده تا بیشتر، مراقب کودکان خود بوده و از ورود آنها به ورطه بزهکاری پیشگیری نمایند.

#### ۶-۴- قبول مجرمیت<sup>۱</sup>

در این شیوه متهم پس از گفت و گو با دادستان به ارتکاب جرم اقرار می‌کند تا در اثر آن پایین‌ترین میزان کیفر از سوی دادگاه برای وی در نظر گرفته شود. به عبارت دیگر، اقرار متهم به ارتکاب بزهکاری نزد دادستان به منظور برخورداری از کم‌ترین اندازه مجازات را پذیرش بزهکاری می‌گویند (Hewitt & Regoli, 2008: 267). البته ماده ۱۴۴ قانون عدالت کیفری مصوب ۲۰۰۳ میلادی اعلام می‌دارد که اقرار متهم در صورتی پذیرفته است که منطبق با واقع باشد (Ashworth & Redmayne, Op.cit, 265).

در نظام کیفری ایران قاعده پذیرش بزهکاری در جرائم مستوجب حد و تعزیرات واجد اثر شناخته شده است. در جرائم مستوجب حد، با توجه به مبنای شرعی قوانین، تاثیر توبه در آنها را می‌توان به عنوان پذیرش قاعده مذکور دانست. ماده ۱۱۴ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد:

<sup>۱</sup> Guilty plea

" در جرایم مستوجب حد به استثنای قذف و محاربه هرگاه متهم قبل از اثبات جرم، توبه کند و ندامت و اصلاح او برای قاضی محرز شود، حد از ساقط می‌گردد. همچنین اگر جرایم فوق غیر از قذف با اقرار ثابت شده باشد، در صورت توبه مرتکب حتی پس از اثبات جرم، دادگاه می‌تواند عفو مجرم را توسط رییس قوه قضاییه از مقام معظم رهبری در خواست نماید". در مورد جرائم تعزیری نیز ماده ۱۱۵ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: " در جرایم تعزیری درجه شش، هفت و هشت چنانچه مرتکب توبه نماید و ندامت و اصلاح او برای قاضی محرز شود، مجازات ساقط می‌شود. در سایر جرایم موجب تعزیر دادگاه می‌تواند مقررات راجع به تخفیف را اعمال نماید". البته در جرایم تعزیری اقرار مرتکب، بر اساس ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی ۹۲، یکی از جهات تخفیف مجازات نیز بر شمرده شده است.

#### ۷-۴- معامله اتهام<sup>۱</sup>

معامله اتهامی یکی دیگر از ابزارهای سیاست کیفری اجرایی محسوب می‌شود. معامله اتهامی، عبارت مبهمی است و در معانی مختلفی مورد استفاده قرار می‌گیرد در معنای نخست این واژه می‌تواند توافق میان قاضی و متهم باشد، در معنای دوم می‌تواند به معنای تعهد داده شده توسط دادستان به این امر باشد که اگر متهم بعضی از اتهامات را قبول نماید، دادستان از قراردادن اتهامات شدید در کیفرخواست خودداری خواهد کرد. در معنای سوم معامله اتهامی می‌تواند به این معنی باشد که اگر متهم جرم سبک تری را قبول مجرمیت کند، دادستان قبول مجرمیت او را می‌پذیرد و در معنای آخر این واژه می‌تواند به توافق دادستان به عدم تعقیب یک یا بیشتر اتهامات مندرج در کیفرخواست اشاره داشته باشد (مهرا، ۱۳۹۲: ۲۴۶).

معامله اتهام قراردادی است فی مابین مقام تعقیب کننده جرم و متهم که هر دو طرف ملزم به رعایت آن هستند و مفاد آن عبارتست از اینکه در صورت اعتراف متهم به جرم یا کیفیات مشدده آن در نظر گرفته نمی‌شود برای مثال سرقت مقرون به آزار و اذیت، سرقت ساده یا حتی شروع به سرقت در نظر گرفته می‌شود، یا سایر اتهام‌های وارده به متهم نادیده گرفته می‌شود و فقط به جرم اعتراف شده رسیدگی می‌گردد و یا اگر فقط یک مورد تحقیق باشد، اعتراف متهم باعث کاهش در میزان مجازات می‌شود (روشن قنبری، ۱۳۸۹: ۱۰۲). تفاوت این نهاد با پذیرش بزهکاری در این است که در نهاد پذیرش بزهکاری، پس از اقرار به مجرمیت،

<sup>۱</sup> Plea Bargaining

پرونده مختومه می‌شود. لکن در معامله اتهام، نوع اتهامات تغییر یافته یا اینکه تعداد اتهامات و یا میزان مجازات کاهش می‌یابد و پرونده مختومه نمی‌شود. (جمشیدی و نوریان، ۱۳۹۱: ۱۵۶). بنابراین معامله اتهام دارای اشکال متعددی است. کاهش شدت و میزان اتهام، کاهش شمار اتهام‌ها و یا نادیده انگاشتن تعدادی از آنها، کاهش محکومیت، جایگزین کردن اتهامات دارای پیامد منفی و درخواست نکردن مجازات از بارزترین شکل‌های معامله اتهامی هستند (Schmallegger, 2010, 358).

در حقوق ایران معامله اتهام در مرحله دادسرا مورد پذیرش قرار نگرفته است و دادستان نمی‌تواند بر اساس این شیوه تعقیب را متوقف نماید لکن به نظر می‌رسد این تاسیس حقوقی در مرحله دادگاه مورد پذیرش قرار گرفته است بدین نحو که به استناد ماده ۴۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری، پس از صدور حکم محکومیت چنانچه محکوم علیه به رای صادره تمکین نموده و درخواست اسقاط تجدیدنظر خواهی نماید، دادگاه صادر کننده رای مکلف است تا یک چهارم مجازات داده شده تخفیف دهد. اما در سیستم حقوقی انگلستان معامله اتهام وجود دارد. براساس این روش، مذاکراتی بین مقام تعقیب و متهم انجام می‌شود تا مقام تعقیب، متهم را متقاعد کند تا به جرم خود اعتراف کند. در صورتی که متهم متقاعد شده و اقرار به جرم کند در مقابل از مسئولیت کیفری خفیف‌تر برخوردار خواهد شد، برای مثال سرقت مسلحانه ارتكابی توسط او به سرقت ساده و یا اتهام تجاوز او به عمل منافی عفت تبدیل می‌شود (میری، ۱۳۹۰: ۸۵). البته حقوقدانان انگلیسی معتقدند تا قرن ۱۸ میلادی هیچگونه سابقه و اثری از معامله اتهام در پرونده‌های کیفری در انگلستان نیافته‌اند. (روشن قنبری، همان: ۱۱۰).

## نتیجه

قاعده اقتضاء تعقیب در قلمرو جرایم اطفال و نوجوانان، به معنای آن است که مقام تعقیب می‌تواند بر اساس صلاحدید خود بعضی از پرونده‌های کیفری این قشر را تعقیب نکند و در موقعیتی که شاکیان پرونده به تعقیب قضایی کودکان معارض با قانون اصرار دارند اهمیت این صلاحدید مقام قضایی صد چندان می‌شود، در نظام‌های مبتنی بر قانون که حرف اول و حرف آخر را قانون می‌زند اصل قانونی بودن تعقیب سابقه طولانی تری دارد، اما افزایش روزافزون و تراکم پرونده‌های کیفری، اطاله دادرسی، مشکلات و هزینه دادرسی و... این نظام‌های مبتنی بر قانون از جمله نظام حقوقی ایران را به تسلیم در برابر اقتضائات اجتماعی مجبور می‌کند، اما بهتر بود که مقنن ایرانی به این نتیجه رهنمون گردد که حق اختیار تعقیب کودکان معارض با

قانون را در همان مرحله نخست به مقام تعقیب اعطا نماید، یعنی به جای آنکه در پایان و پس از تحمل هزینه‌ها و مشکلات متعدد به مقام قضایی اعتماد کند در همان مراحل نخست به او اعتماد نموده و برای ایشان اختیار توقف تعقیب را شناسایی نماید، زیرا مقامات تعقیب که وظیفه برخورد با کودکان معارض با قانون را بر عهده دارند، در عمل مجریان مصلحت نیز می‌باشند و حتی شایسته است مقنن ایرانی به سمتی هدایت و رهنمون شود که اختیار تعقیب یا عدم تعقیب برخی از جرائم اطفال و نوجوانان را همانند حقوق انگلستان به نهاد پلیس اعطا کند که متأسفانه در حقوق ایران چنین امری پیش بینی نگردیده است. از جمله مشکلاتی که در راستای اعمال قاعده اقتضاء تعقیب می‌تواند به چشم بخورد، شرایط لازم برای عدم تعقیب مرتکب می‌باشد که چه بسا وجود شرایطی برای اعمال این قاعده، قلمرو اجرا و صدور آن را محدود می‌کند، لذا باید این موانع به حداقل تنزل یابد. نکته دیگر اینکه صرف عدم تعقیب کودکان معارض با قانون، باعث می‌شود که نیل به اهداف غایی با مشکلاتی همراه باشد چرا که در مورد این افراد برنامه‌های مداخله‌ای در راستای تعلیم و تربیت آنها ضروری بنظر می‌رسد، البته حقوق انگلستان در مورد کودکان و نوجوانان زیر ۱۸ سال، نهادهای توبیخ و هشدار نهایی را معرفی نموده است که توأم با مداخلات اجباری و اختیاری بیان شده‌اند و توجیه این مداخلات این بود که رها کردن کودکان و نوجوانان به معنای محروم کردن آنها از برنامه‌های اصلاح و تربیت می‌باشد. قاعده مقتضی بودن تعقیب زمانی به عنوان یک ابزار مناسب برای اعمال سیاست کیفری موفق خواهد بود که رویکرد خود را به عدالت بازپرورانه و یا ترمیمی سوق و از عدالت سزادهنده در مورد اطفال و نوجوانان معارض قانون فاصله بگیرد. در نظام حقوقی ایران مقام تعقیب جرائم صرفاً دادرسی بوده و افرادی با رتبه‌های قضایی این امر را برعهده دارند و هیچ اختیاری در مورد تعقیب یا عدم تعقیب کودکان بزهکار به پلیس واگذار نشده است، اما در نظام حقوقی انگلستان وظیفه تعقیب بر عهده پلیس گذارده شده و به همین دلیل نیز در بیشتر موارد مربوط به کودکان و نوجوانان این نهاد حق عدم تعقیب و اعمال یکی از نهادهای اخطار مشروط یا توبیخ و یا هشدار نهایی را بر عهده دارند و این عمل باعث تعامل و هماهنگی بیشتر بین پلیس و دادستانی گردیده است، چیزی که در حقوق ایران کمتر ملموس و مشهود است و از طرفی تنوع نمودها و روش‌های اجرایی قاعده اقتضاء تعقیب در حقوق انگلستان دستیابی به اهداف غایی این قاعده را بیشتر و بهتر از حقوق ایران ممکن می‌سازد و انتظار می‌رود مقنن ایرانی در تدوین قوانین مربوط به اطفال و نوجوانان بزهکار از ظرفیت‌های موجود در حقوق انگلستان نیز بهره بگیرد.

منابع

الف - کتب

- ۱- آخوندی، محمود (۱۳۸۶) آیین دادرسی کیفری (جلد اول)، تهران، نشر سازمان چاپ و انتشارات، چاپ سیزدهم.
- ۲- بوریکان، ژان و سیمون، آن ماری (۱۳۸۹)، آیین دادرسی کیفری، ترجمه عباس تدین، تهران، انتشارات خرسندی.
- ۳- جمشیدی، علیرضا و نوریان، علیرضا (۱۳۹۲)، متناسب بودن تعقیب کیفری: مفهوم، مبانی و جلوه‌ها در حقوق ایران و انگلستان، مجله پژوهش حقوق کیفری، سال دوم، شماره سوم، صفحات ۱۱۴۳ الی ۱۶۱.
- ۴- حضرتی، صمد (۱۳۹۲)، جایگاه قرار تعلیق تعقیب در نظام کیفری کنونی، منتشره در پیام آموزش شماره ۲۳.
- ۵- خالقی، علی (۱۳۹۴)، آیین دادرسی کیفری، جلد اول، موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی، شهردانش، چاپ بیست و نهم.
- ۶- خدابنده لو خان کندی، اصغر (۱۳۸۲)، بررسی تطبیقی دادرسی اطفال بزهکار در حقوق ایران و انگلستان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
- ۷- داور، زهرا (۱۳۷۸)، ایران و پیمان‌نامه حقوق کودک، در مجموعه سخنرانی‌های ارائه شده در سمینار دادرسی ویژه نوجوانان، صندوق کودکان سازمان ملل.
- ۸- روشن قنبری، عطالله (۱۳۸۹)، نگاهی به معامله اتهام در حقوق ایالات متحده، ماهنامه حقوقی کانون سردفتران و دفتریاران، شماره ۱۰۳، صفحات ۱۰۱ الی ۱۱۰.
- ۹- سید سعید کشفی، «بررسی تطبیقی اختیارات پلیس در فرایند کیفری در حقوق ایران، انگلستان و ولز»، (پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۷).
- ۱۰- شکرچی زاده، محسن (۱۳۹۴)، آیین دادرسی کیفری انگلستان (قاعده اقتضای تعقیب)، انتشارات مجد، چاپ اول.
- ۱۱- محمد یکرنگی، «حدود اختیارات پلیس در حقوق ایران و انگلستان»، (پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۵)، ص ۱۵۴.
- ۱۲- مهرا، نسرين (۱۳۹۰)، عدالت کیفری کودکان و نوجوانان، تهران، چاپ اول، انتشارات میزان.
- ۱۳- مهرا، نسرين (۱۳۹۲)، دانشنامه حقوق کیفری انگلستان، تهران، چاپ اول، بنیاد حقوقی میزان.
- ۱۴- میری، رضا (۱۳۹۰)، تعقیب کیفری، تهران، چاپ نخست، مجمع علمی و فرهنگی مجد.

- ۱۵- میلانی، علیرضا و پورقاسم، علی (۱۳۹۵)، بایگانی کردن پرونده کیفری، فصلنامه مطالعات علوم اجتماعی، دوره ۲ شماره ۱ صفحات ۱۲-۱۶.
- ۱۶- معاونت حقوقی ریاست جمهوری (۱۳۹۲)، منتخب جلد اول جرایم و مجازات‌ها، معاونت تدوین و تنقیح و انتشار قوانین و مقررات.
- ۱۷- نیاز پور، امیر حسین (۱۳۹۰)، توافقی شدن آیین دادرسی کیفری، چاپ نخست، تهران، نشر میزان.
- ۱۸- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، هاشم بیگی، حمید (۱۳۷۷)، دانشنامه جرم‌شناسی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول.
- ۱۹- ویدا وطن خواه، «ترمیمی شدن عدالت کیفری اطفال و نوجوانان در حقوق ایران و انگلستان»، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۵-۱۳۸۴.
- 20- Ashworth, Andrew and Redmayne, Mike (2002). The Criminal Process, Oxford University PRESS, 4th Edition.
- 21- Campbell Black Henry, Black's Law Dictionary West Publishing Co, Sixth Edition, 1990, P-223.
- 22- Hannibal, Martin And Mount Ford, Lisa, LPC Handbook On Criminal Litigation 2007-2008, Oxford, First Published, 2008, P. 483.
- 23- Gibson, B and Cavandino, P (1995) criminal justice Process, Winchester, waterside Press, p 56.
- 24- Gelsthorp, Land MORRIS, A (1998) Much Ado about Nothing: A critical comment on Key Provision Relating to Children in the Crime and Disorder Act 1998, CHILD AND Family law Quarterly, Vol 11, No3, p210.
- 25- Lourine Kaal, Hendrien, The Police Cautioning Of Drug Offenders: Policies Practices, And Attitudes, 2008, The University Of Bristol, P18.
- 26- Michael Jasch, Police And Prosecutions: Vanishing Differences Between Practices In England And Germany, Public Law, The Law Faculty Of The University Frankfurt (Main), Institute of Criminal Justice (WWW.Germanlawjournal.Com). P-1208.
- 27- Slapper, Gary & Kelly, David; The English Legal System, 2009/2010. 10 the Edition, Routledge Cavendish, P 485.
- 28- T. Molan, Michael, Sourcebook On Criminal Law, Cavendish Publishing, 2<sup>nd</sup> Edition, 2001, P. 10.
- 29- Schmalleger, frank (2010), Criminal Justice Today (An Introductory Text for the 21 st century), Pearson Prentice Hall, 11th Edition.
- 30- Sprack John, A Practical Approach To Criminal Procedure, Thirteenth Edition, Oxford University Press, P 79.
- 31- Stoaate, Richard, National Standards for Cautioning (Revised), No. 1, Note 1A.
- 32- T. Molan, Michael, Sourcebook On Criminal Law, Cavendish Publishing, 2<sup>nd</sup> Edition, 2001, P. 10.
- 33- Vogler, Richard and Huber, Barbara (2010), Criminal Procedure in Europe, Berlin, Max-Planck-Institute.

### قوانین و دستورالعمل ها

- ۳۴- قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲.
- ۳۵- قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با الحاقات و اصلاحات ۱۳۹۴.
- ۳۶- قانون مربوط به تشکیل شرکت پست ۱۳۶۶.
- ۳۷- قانون مبارزه با مواد مخدر اصلاحی ۱۳۸۹.
- ۳۸- قانون تعزیرات حکومتی امور بهداشتی و درمانی مصوب ۱۳۶۷.
- 39- Audit Commission, Misspent Youth Young People and Crome, London, 1997, p2.
- 40- Crime and Disorder Act 1998.
- 41- Criminal Justice Act 2003.
- 42- Children And Young People Act 1969.
- 43- Code of Practice For Youth Conditional Cautions for 16 & 17 Year Olds, 2009, Op. Cit, No 66A, 7.
- 44- Code of Practice for Youth Conditional Cautions for 16 & 17 Year Olds, Laid Before Parliamency In Draft Pursuant to Section 66 G of The Crime And Disorder Act 1988 Subject to Approval By A Resolution of Each House of Parliament. 2009, No 1-2.
- 45- Code of Practice for Youth Conditional Cautions for 16 \* 17 Year Olds, 2009, Crime & Disorder Act 1998, No 66A, 2.
- 46- Final Warning Scheme, Guidance for the Police And Youth Offending Team, 2002, No 1-6.
- 47- Home Office Circular 18/1994, Op. Cit, Aims 3.
- 48- Home Office Circular 14/2006, Annex C, Op. Cit, No 8-8.
- 49- Home Office Circular 16/2008, Op. Cit, No9.
- 50- <http://www.time.com/time/magazine/article/0,9171,916340,00.html>.
- 51- The Director's Guidance on Youth Conditional Cautions, 2010, Op. Cit, No 3-4.
- 52- The Director's Guidance on Youth Conditional Cautions, 2010, Op. Cit, No 1-1.
- 53- The Director's Guidance on Youth Conditional Cautions Annex A: Op. Cit, The Following Offences And Attempts to Commit Them.
- 54- The Director's Guidance on Youth Conditional Cautions Annex A: Offences That May Be Youth Conditionally Cautioned, Summary Only Offences.